

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال یازدهم- شماره سوم- پاییز ۱۳۹۷- شماره پیاپی ۴۱

حافظ و نجیب‌الدین جرباذقانی (گلپایگانی)

(ص ۸۱ - ۱۰۰)

مریم حقی^۱

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: پائیز ۱۳۹۶

چکیده

ملک‌الشعرا نجیب‌الدین جرباذقانی (گلپایگانی) از شاعران بزرگ ولی گمنام اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری است که دیوانی در حدود دوهزار بیت از او باقی مانده است. هر چند از احوال او اطلاع زیادی در دسترس نیست اما اغلب تذکره‌نویسان او را از شاعران معروف عصر خود دانسته‌اند و شعرش را به زیبایی و روانی ستوده‌اند. بسیاری از لغات، ترکیبات، تعابیر و مضامینی که در شعر نجیب‌الدین به کار رفته‌اند عیناً یا با اندکی اختلاف در شعر حافظ وارد شده‌اند. با وجود شباهت‌های فراوان لفظی و معنایی که میان دیوان حافظ و دیوان نجیب‌الدین جرباذقانی وجود دارد تا کنون کسی به تحقیق درباره وجوه مختلف تشابه میان این دو اثر نپرداخته است. هدف از نگارش این مقاله بررسی جنبه‌های گوناگون شباهت‌های لفظی و محتوایی میان شعر این دو شاعر از قبیل تشابه مضمون ابیات، تشابه یک مصراع، تشابه بخشی از یک مصراع، تشابه ترکیبات و همسانی وزن و قافیه است.

واژه‌های کلیدی: شعر فارسی، ادبیات تطبیقی، حافظ، دیوان حافظ، نجیب‌الدین جرباذقانی

^۱ - استادیار دانشگاه پیام نور (Mhaghi@khansar.isfpnu.ac.ir)

۱- مقدمه

نجیب‌الدین جرباذقانی (گلپایگانی)^۱ متخلص به نجیب و ملقب به ملک‌الشعراء، از شاعران توانای اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری است که به جز مطالب اندکی در تذکره‌ها، اطلاع چندانی از زندگی و احوال او در دست نیست. تاریخ تولد او معلوم نیست ولی «تولد او باید بعد از ۵۵۰ هجری در جرباذقان بوده باشد» (نجیب‌الدین جرباذقانی قصیده‌سرای قرن هفتم، مدبری، ص ۸۱). اغلب منابع تاریخ وفات او را سال ۶۶۵ دانسته‌اند. البته «مرحوم شیخ آقا بزرگ در الذریعه به نقل از شاهد صادقی سال ۶۵۳ را به عنوان تاریخ فوت شاعر آورده است که معقولتر از سال ۶۶۵ می‌نماید زیرا در آن زمان بیش از ۹۰ سال از عمرش طی شده بود.» (همان: ص ۸۴). در لغتنامه دهخدا، نجیب‌الدین گلپایگانی به اشتباه از شاعران قصیده‌سرای قرن پنجم هجری دانسته شده است. (لغتنامه، دهخدا، ذیل نجیب‌الدین گلپایگانی)

این نکته مسلم است که او به «جرباذقان» تعلق داشته و مدتی از عمر خود را در ایام پیش از حمله مغول در عراق سرگرم مدح امرا و صدور محلی که در اوان فترت ایام سلاجقه عراق و دوران غلبه خوارزمشاهان آل اتسز در آن سامان می‌زیسته‌اند، مانند عزالدین یحیی و علاءالدوله مردانشاه و مجدالدین عزالملک، بوده است. زمانی که رکن‌الدین غورسانجی، پسر سلطان محمد خوارزمشاه، در اصفهان مستقر شد، نجیب‌الدین به دستگیری عمادالملک ساوجی، وزیر رکن‌الدین که با وی سابقه دوستی داشت، به دربار راه یافت و از عمال دربار در عراق گردید و مداح پادشاه و وزیرش شد. معروف است که در آن هنگام که آن منصب می‌یافت پادشاه خلعت و نقدینه‌یی بوی داد و او چون از خدمت آن شاه بیرون آمد به شکرانه میان تنگدستان قسمت کرد. نجیب‌الدین در همین ایام اقامت در اصفهان به مدح صدرالدین خجندی هم پرداخت. بعد از زوال دولت مستعجل غورسانجی، نجیب‌الدین عزلت اختیار کرد و در سال ۶۶۵ در زادگاه خود درگذشت. (ر.ک. تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج ۳: صص ۴۱۷-۴۱۸). دوران زندگانی او اغلب با درگیریها و جنگ و خونریزی سلاطین غالب و مغلوب آن زمان توأم بوده است. او گاهی سلاطین سلجوقی و گاهی خوارزمشاهیان و غیره را مدح گفته.

۱- دکتر محمود مدبری مینویسد: «در باره نسبت او به «جرباذقانی» اتفاق است. البته متن‌های عهد نزدیک به شاعر و همعصر او غالباً این نسبت را برای افراد معروف اهل گلپایگان به صورت «جرباذقانی» نوشته‌اند و لفظ «جرباذقانی» یا «جرباذقانی» به جز موارد کمی که در ادوار پیشین دیده می‌شود، بیشتر متأخر است» (مدبری، ۱۳۸۰: ۸۱). «کلمه جرباذقان، جرباذقان، جرفاذقان، معرب اسم «گرپاتکان» (= کوه‌پایه) همان است که در تلفظ بعدی به «گلپایگان» تبدیل شده است» (صفا، ۱۳۵۳، ج ۳: ۴۱۶)

روی هم رفته نجیب گلپایگانی از شاعرانی است که دوران عمرش با ناکامی و بدحالی گذشته است. (مقدمه دیوان، جرباذقانی، مدبری)

دیوان شعر او دارای ۱۹۴۳ بیت و مشتمل بر ۴۸ قصیده، ۷ غزل، ۱۰ قطعه، یک ترکیب‌بند و ۳۶ رباعی است.^۱ اشعاری که از او باقی مانده است می‌توانی او در سرودن انواع شعر به ویژه قصیده است. «وی شاعری بسیار توانا و چیره‌دست و در قصیده‌سرایی استاد بود. خود گوید:

مراست طبع معزی و هم بدین نسبت سواد خطه جرباذقان نشابور است»
(تذکره شعرای گلپایگان، مذهبی: ص ۴۲۱)

مؤلف ریاض‌الشعراء درباره او مینویسد: «نجیب‌الدین جرباذقانی از شعرای مشهور زمان است عرایس افکارش در کمال حسن و جمال واقع شده. بعد از کمال اسماعیل در عراق به عرصه ظهور آمده است.» (تذکره ریاض‌الشعراء، واله داغستانی: ص ۲۲۳۲). سعید نفیسی نجیب‌الدین جرباذقانی را از بهترین شعرای سبک عراقی در قرن هفتم برشمرده است که مضامین بسیار بدیع در الفاظ رقیق دارد. (تاریخ نظم و نثر در ایران، نفیسی: ص ۱۶۶)

قصاید وی عموماً دارای تشبیب و تغزل هستند. قدرت شاعر در خلق تشبیهها و تغزلات زیباست که تمام توان و ذوق خود را در آنها به کار برده است. نجیب‌الدین در کاربرد صنایع ادبی راه افراط و تفریط نرفته و از آنها در همه جوانب سخن بهره جسته است. بدون آنکه کوچکترین خللی در گفتارش پدید آید و یا نشانه‌ای از تصنع و تکلف در آن مشاهده شود. مهمترین ویژگی شعر او را باید در خلق تصاویر جدید و نازک‌خیالیها و لطیفه‌های خیالی او دانست که به وسیله تشبیهات بدیع به ویژه تشبیه مضمّر و تفضیلی و تشبیهات فشرده و نیز استعاره‌های ظریف و دقیق و نو و اضافات و صفت و موصوف‌های مجازی جلوه‌گر میشود. (ر.ک. نجیب‌الدین جرباذقانی قصیده‌سرایی قرن هفتم، مدبری: صص ۸۵-۸۶)

ذبیح‌الله صفا درباره سبک شاعری نجیب‌الدین می‌نویسد: «کلامش با وجود به کار بردن صنایع و التزامات مختلف روان و عذب و در عین حال منتخب و استوار است. ایراد معانی مختلف همراه با تشبیهات و ترکیبات استعاری و مضامین مبتنی بر تخیلات باریک و دل‌انگیز برای او چنان سهل است که مطلقاً در سهولت و روانی کلام او تأثیر نمی‌کند. سخنش

۱- سعید نفیسی به اشتباه دیوان اشعار وی را شامل چهار هزار بیت قصیده دانسته است (نفیسی، ۱۳۶۳: ۱۶۶). غیر از دیوان، یک مثنوی به نام «بشر و هند» بر وزن «لیلی و مجنون» نظامی نیز به نجیب‌الدین نسبت داده‌اند.

در روانی و انسجام و اشتغال بر معانی مبتکر یادآور کلام سخّار انوری و متابعان اوست.» (تاریخ ادبیات ایران، صفا، ج ۳: ص ۴۱۹)

۲- پیشینه تحقیق

نجیب‌الدین جرباذقانی شاعری گمنام است که تحقیق‌چندانی درباره احوال و آثارش صورت نگرفته است. دیوان اشعار او نخستین بار در سال ۱۳۷۱ به تصحیح احمد کرمی و سپس در سال ۱۳۸۹ به تصحیح محمود مدبری چاپ شد. محمود مدبری قبل از تصحیح و چاپ کتاب در مقاله‌ای با عنوان «نجیب‌الدین جرباذقانی قصیده‌سرای قرن هفتم» به معرفی این شاعر، حوادث عصر او، آثار و سبک شاعری او پرداخت. احمدرضا یلمه‌ها، در مقاله‌ای با عنوان «نسخه‌هایی تازه یافته از شاعری گمنام (نجیب جرباذقانی)» با در دست داشتن چندین نسخه تازه‌یافته از دیوان نجیب‌الدین جرباذقانی و مطابقه و مقایسه این نسخه با متن دیوان چاپی (تصحیح احمد کرمی) به برخی ایرادات و اشکالات آن پرداخته است. (نسخه-هایی تازه یافته از شاعری گمنام (نجیب جرباذقانی، یلمه‌ها)

در زمینه تأثیرپذیری حافظ از دیگران نیز تحقیقات متعددی انجام شده است. بهاء‌الدین خرمشاهی در جلد اول کتاب *حافظ‌نامه* در بخش «تأثیر پیشینیان بر حافظ» پیشینه برخی الفاظ و مضامین حافظ را در متون ادبی پیش از او جستجو کرده است. شاعرانی که در این کتاب تأثیر آنها بر شعر حافظ بررسی شده عبارتند از سنایی، انوری، خاقانی، ظهیر فاریابی، نظامی، عطار، کمال‌الدین اسماعیل، عراقی، سعدی، نزاری قهستانی، امیرخسرو دهلوی، اوحدی، خواجو، عبید زاکانی، ناصر بخارایی، سلمان ساوجی، کمال خجندی. (حافظ-نامه، خرمشاهی: ۴۱)

محمد امین ریاحی در کتاب *گلگشت فصلی* را با عنوان «سرچشمه‌های مضامین حافظ» به بررسی تأثیر مضامین بعضی شاعران متقدم بر اشعار حافظ اختصاص داده است. در مجموعه مقالات حافظ‌شناسی جلد پنجم فصلی با عنوان «حافظ و دیگران» در خصوص مقایسه شعر حافظ و دیگر شاعران آمده است (ر.ک. حافظ‌شناسی، نیاز کرمانی: ج ۵). مرحوم ایرج افشار نیز در بخش «حافظ و شاعران» در «مقاله‌شناسی برای حافظ‌شناسی» فهرست برخی از این مقالات را آورده است (همان: صص ۲۲۵-۲۲۷) علاوه بر اینها مقالاتی نیز در مجلات گوناگون در زمینه همسانی میان شعر حافظ و شاعران دیگر وجود دارد ولی تاکنون تحقیق مستقلی درباره اشتراکات موجود میان شعر نجیب‌الدین جرباذقانی و دیوان حافظ شیرازی انجام نشده است.

۳- بحث

یکی از شاعرانی که اشعارش همسانیه‌های بسیاری با شعر حافظ دارد، نجیب‌الدین جرباذقانی (گلپایگانی) است. مطالعه دیوان نجیب‌الدین و دقت در آن ما را به وجوه گوناگون انواع مشابهتهای لفظی (وزن و قافیه، لغات و ترکیبات) و محتوایی میان این کتاب و دیوان اشعار حافظ رهنمون می‌گردد، هر چند میتوان برخی از این مشابهتها را از مقوله مضامین مشترک شعر فارسی به شمار آورد. در این مقاله با توجه به جنبه‌های گوناگون شباهت میان این دو اثر، این تشابهات را به چند بخش عمده شامل تشابه یک مصراع، تشابه قسمتی از یک مصراع، تشابه بخش آغازین ابیات، تشابه ترکیبات، تشابه تقابله‌ها، تشابه مضمون یک بیت و تشابه وزن و قافیه و ردیف تقسیم‌بندی کرده‌ایم و برای هر کدام چندین شاهد مثال ذکر کرده‌ایم.

۳-۱- تشابه یک مصراع

در دیوان نجیب‌الدین جرباذقانی ابیاتی وجود دارد که یکی از مصراعهای آن با مصراعی از شعر حافظ قرابت لفظی و معنایی فراوان دارد. گاهی نیز این قرابت لفظی و معنایی با یکسانی وزن و قافیه همراه شده است.

• نجیب‌الدین:

دلم ز ناوک چشمت چنان همی‌ترسد
که سر ز حلقه زلفت به در نمی‌دارد
(۱۱۵)^۱

▪ حافظ:

ز بس که شد دل حافظ رمیده از همه کس
کنون ز حلقه زلفت به در نمی‌آید
(۲۲۰)

• نجیب‌الدین:

تا سر زلف تو را دست صبا خم داده است
غم من چون خط تو دست فراهم داده است
(۲۵۶)

▪ حافظ:

تا سر زلف تو در دست نسیم افتاده است
دل سودا زده از غصه دو نیم افتاده است
(۱۱۴)

۱- در این مقاله استادهای اشعار نجیب‌الدین جرباذقانی به دیوان مصحح محمود مدبری و استادهای اشعار

حافظ به دیوان مصحح قزوینی - غنی است.

● نجیب‌الدین:

هنوز هندوی زلفت نمی‌شود ساکن

هنوز غمزه مستت نمی‌کند تقصیر

(۱۶۲)

■ حافظ:

به عزم توبه نهادم قدح ز کف صدبار

ولی کرشمه ساقی نمی‌کند تقصیر

(۲۳۰)

● نجیب‌الدین:

یکی به حالت آنها نگر که می‌گفتند

به تازبانه ما توسن فلک رام است

(۹۷)

■ حافظ:

تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار

که توسنی چو فلک رام تازبانه توست

(۱۱۳)

● نجیب‌الدین:

تو چو سرو آزاد باش از بند هرغم تا مدام

هر چه فرمایی سپهرت بنده فرمانی کند

(۱۳۰)

■ حافظ:

زیر بارند درختان که تعلق دارند

ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد

(۱۸۸)

● نجیب‌الدین:

دل من جای خراب است و در او گنج غمت

باد آباد بر این گنج و بر این ویرانی

(۲۳۸)

■ حافظ:

تا گنج غمت در دل ویرانه مقیم است

همواره مرا کوی خرابات مقام است

(۱۱۸)

● نجیب‌الدین:

غلام آن لب شیرین و نقطه دهنم

که وهم هیچ مهندس به کنه آن نرسد

(۱۱۷)

▪ حافظ:

گره ز دل بگشا وز سپهر یاد مکن
که فکر هیچ مهندس چنین گره نگشاد
(۱۴۶)

۲-۳- تعابیر و اصطلاحات، بخشی از یک مصراع

گاه دو مصراع از نظر زبانی و معنایی به طور کامل به هم شباهت ندارند بلکه بخشی از مصراع که شامل تعبیر و اصطلاحی ادبی است عیناً در دو مصراع تکرار شده است. در ذیل به بعضی اصطلاحات و تعبیرات شعر حافظ که در شعر نجیب‌الدین هم سابقه دارد اشاره می‌کنیم:

• نجیب‌الدین:

هزار جان گرامی فدای آنکه پیامی
چنانکه بشنود از من هم آنچنان برساند
(۲۶۶)

▪ حافظ:

به بوی زلف تو گر جان به باد رفت چه شد
هزار جان گرامی فدای جانانه
(۳۲۸)

• نجیب‌الدین:

از رخ خوب تو ای جان و دل و بینایی
چشم بد دور که بس فرخ و بس زیبایی
(۲۷۷)

▪ حافظ:

آب و آتش به هم آمیخته‌ای از لب لعل
چشم بد دور که بس شعبده‌باز آمده‌ای
(۳۳۵)

• نجیب‌الدین:

بخدایی که هران حکم که تقدیرش کرد
از ازل تا به ابد هرچه رود آن باشد
(۱۲۲)

▪ حافظ:

از کران تا به کران لشکر ظلم است ولی
از ازل تا به ابد فرصت درویشان است
(۱۲۰)

• نجیب‌الدین:

چو دانی آنکه جهان بر کس آب می نخورد
پس آنگهی غم خود خور غم جهان چه خوری
(۱۱۰)

▪ حافظ:

مرغ کم حوصله را گو غم خود خور که بر او
رحم آن کس که نهد دام چه خواهد بودن
(۳۰۷)

۳-۳- تشابه آغازین ابیات

یکی دیگر از وجوه آشکار شباهت میان دیوان حافظ و دیوان نجیب‌الدین، همسانی عبارات آغازین ابیات است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

• نجیب‌الدین:

غلام همت آنم که شکل احوالش
تفاوتی نکنند گر به کام و ناکام است
(۹۸)

▪ حافظ:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
(۱۱۴)

• نجیب‌الدین:

من اگر باده خورم با دل روشن باشم
می چراغ است و مرا خانه دل ظلمانی
(۲۴۰)

▪ حافظ:

من اگر باده خورم ورنه چه کارم با کس
حافظ راز خود و عارف وقت خویشم
(۲۷۸)

• نجیب‌الدین:

جواب دادم و گفتم که هست مقصد من
خجسته عروه وثقی و بارگاه جلال
(۱۷۹)

▪ حافظ:

جواب دادم و گفتم بدار معذورم
که این طریقه نه خود کامیست و خودرایی
(۳۷۱)

● نجیب‌الدین:

نهاد ساغر زرین به یاد بزم وزیر
(۱۶۳)

صبا به تهنیت عید بر کف نرگس

■ حافظ:

که موسم طرب و عیش و ناز و نوش آمد
(۱۸۸)

صبا به تهنیت پیر می‌فروش آمد

● نجیب‌الدین:

که آمدی بر من آن غزل‌سرای غزال
(۱۷۸)

به خواب دوش چنان دیدمی ز روی خیال

■ حافظ:

کز عکس روی او شب هجران سر آمدی
(۳۳۵)

دیدم به خواب دوش که ماهی بر آمدی

● نجیب‌الدین:

مگر مرا خبر از خاک آن جناب دهد
(۱۳۳)

که جان به رشوه به باد صبا دهم هر دم

■ حافظ:

ز شمع روی تو اش چون رسید پروانه
(۳۲۸)

به مژده جان به صبا داد شمع در نفسی

● نجیب‌الدین:

هم تو می‌دانی که نتوان کرد با دل داوری
(۲۲۶)

گر دلم در بند زلفت شد به عیب من مکن

■ حافظ:

مرغ زیرک چون به دام افتد تحمل بایدش
(۲۴۰)

ای دل اندر بند زلفش از پریشانی منال

۳-۴- ترکیبات عطفی، وصفی و اضافی

بسیاری از ترکیباتی که در دیوان حافظ به کار رفته است عیناً یا با اندکی تغییر در دیوان نجیب‌الدین نیز وجود دارد. برخی از این ترکیبات همسان از سه بخش تشکیل شده‌اند که به عنوان مثال میتوان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

● نجیب‌الدین:

از دلم هیچ نشان نیست همانا که نماند

اگر اندر شکن زلف سمن‌سای تو نیست
(۲۷۴)

■ حافظ:

هم گلستان خیالم ز تو پر نقش و نگار

هم مشام دلم از زلف سمن‌سای تو خوش
(۲۴۶)

● نجیب‌الدین:

بدان خدای که در ظلمت شب یلدا

رسوم مشعله‌داری به ماهتاب دهد
(۱۳۳)

■ حافظ:

صحبت حکام ظلمت شب یلداست

نور ز خورشید جوی بو که برآید
(۲۱۸)

● نجیب‌الدین:

سپیده دم که همی کرد بلبل سرمست

حکایت شب هجران خود به صد زاری
(۲۱۳)

■ حافظ:

حکایت شب هجران نه آن حکایت حالیست

که شمه‌ای ز بیانش به صد رساله برآید
(۲۱۹)

● نجیب‌الدین:

خیال زلف تو در چشم من از آن باشد

که عنبر است ترا زلف و دیده دریا بار
(۱۴۴)

■ حافظ:

خیال زلف تو گفتا که جان وسیله مساز

کز این شکار فراوان به دام ما افتد
(۱۵۳)

● نجیب‌الدین:

خیال تیغ تو هر جا که بگذرد جوید

عرض ز صحبت جوهر طریق بیزاری
(۲۱۹)

▪ حافظ:

خیال تیغ تو با ما حدیث تشنه و آب است اسیر خویش گرفتی بکش چنان که تو دانی (۳۶۰)

ترکیبات عطفی، وصفی و اضافی همسان نیز در دیوان هر دو شاعر به وفور دیده میشود که در این میان بسامد ترکیبات اضافی بیشتر است:

• نجیب‌الدین:

اگر چو سایه خورم خاک بهترم باشد که همچو مهر بوم هرزه‌گرد و هرجایی (۲۴۸)

▪ حافظ:

دلا مباحش چنین هرزه‌گرد و هرجایی که هیچ کار ز پیشت بدین هنر نرود (۲۱۴)

• نجیب‌الدین:

چرخ از مشک از آن صفحه سیم تو نوشت آیت حسن و ملاحظت که خطش می‌خوانی (۲۳۹)

▪ حافظ:

اگرچه حسن فروشان به جلوه آمده‌اند کسی به حسن و ملاحظت به یار ما نرسد (۱۷۹)

• نجیب‌الدین:

ببین که تا ز پس پرده چون برون آورد چه مایه بوالعجبی‌ها سپهر شعبده‌باز (۱۶۵)

▪ حافظ:

چه جای من که بلغزد سپهر شعبده‌باز از این حیل که در انبان بهانه توست (۱۱۳)

• نجیب‌الدین:

پناه ملت و قانون روزگار «عمر» که هست توسن ایام زیر حکمش رام (۱۸۸)

▪ حافظ:

دارد همیشه توسن ایام زیر ران
(۸۱)

اعظم جلال دولت دین و دین آنکه رفعتش

• نجیب‌الدین:

رقم از غالیه بر گوشه گلبرگ طری
(۲۲۱)

چشم بد دور که بس خوب شدی تا زده‌ای

▪ حافظ:

همچو سرو چمن خلد سراپای تو خوش
(۲۴۶)

همچو گلبرگ طری هست وجود تو لطیف

• نجیب‌الدین:

از شمع آفتاب بود دائما گدای
(۲۴۵)

تا در رواق گنبد کحلی چراغ ماه

▪ حافظ:

چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا
(۹۸)

ز روی دوست دل دشمنان چه در یابد

• نجیب‌الدین:

رشته صبر همی بگسلد از یکتایی
(۲۵۰)

چون زیم بی سر آن زلف دو تایت که مرا

▪ حافظ:

همچنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع
(۲۵۱)

رشته صبرم به مقراض غمت ببریده شد

• نجیب‌الدین:

وز آتش هوسم دل به سینه در چو زغال
(۱۷۸)

ز درد و حسرت و غم دیده سرم خون شد

▪ حافظ:

که داغدار ازل همچو لاله خودروست
(۱۲۴)

نه این زمان دل حافظ در آتش هوس است

• نجیب‌الدین:

شود مسدس گیتی سپیده‌دم عودی

چو من بر آتش سودا نهم مثلث آه
(۱۹۸)

▪ حافظ:

آن را که بوی عنبر زلف تو آرزوست

چون عود گو بر آتش سودا بسوز و ساز
(۲۳۲)

• نجیب‌الدین:

فروع عکس شفق بر افق همی افتاد

چنانکه گونه دهی لاجورد را به بقم
(۱۹۰)

▪ حافظ:

هوا ز نکهت گل در چمن تنق بندد

افق ز عکس شفق رنگ گلستان گیرد
(۹۰)

• نجیب‌الدین:

نسیم گلبن اخلاق و روضه کرمش

دمیده در همه آفاق چون دم بام است
(۹۷)

▪ حافظ:

فرشته‌ای به حقیقت سروش عالم غیب

که روضه کرمش نکته بر جنان گیرد
(۹۲)

• نجیب‌الدین:

تا دامن آخر زمان در کلبه آفاق باد

چرخ از فطیر رای تو هر صبحدم نان ساخته
(۲۰۴)

▪ حافظ:

خواهم شدن به کوی مغان آستین‌فشان

زین فتنه‌ها که دامن آخر زمان گرفت
(۱۳۹)

ترکیبات زیر نیز نمونه‌های دیگری از ترکیبات مشابه در دیوان این دو شاعر است: ناوک
غمزه (نجیب: ۱۲۴، حافظ: ۲۶۹)؛ لشگر غم (نجیب: ۱۷۰، حافظ: ۱۹۶)؛ آینه دل (نجیب:
۲۵۰، حافظ: ۲۳۲)؛ بهار حسن (نجیب: ۱۷۸، حافظ: ۳۱۹)؛ طایر اقبال (نجیب: ۱۱۵، حافظ:
۳۱۸)؛ گلشن جان (نجیب: ۲۳۸، حافظ: ۱۵۳)؛ آهنگ عشرت (نجیب: ۱۴۰، حافظ: ۳۹۷)؛

مردم دیده (نجیب: ۲۵۰، حافظ: ۱۲۹)؛ بوی جان (نجیب: ۱۰۰، حافظ: ۲۳۴)؛ یمن همت (نجیب: ۹۱، حافظ: ۳۸۹)؛ رسم بدعهدی (نجیب: ۲۰۵، حافظ: ۱۸۹)؛ سر سودا (نجیب: ۲۷۷، حافظ: ۱۸۰)؛ لطف طبع (نجیب: ۲۷۲، حافظ: ۱۹۰)؛ حقوق خدمت (نجیب: ۹۳، حافظ: ۱۴۲)؛ پیر صومعه (نجیب: ۱۵۷، حافظ: ۹۰)؛ لعل نوشین (نجیب: ۲۰۵، حافظ: ۱۵۴).

گاه ترکیب اضافی یا وصفی مشابه با اندکی تفاوت در دیوان این دو شاعر آمده است؛ به این صورت که اجزای ترکیبی که در یک دیوان در کنار هم آمده‌اند در اشعار دیگری با فاصله از هم قرار گرفته‌اند مانند مثال‌های زیر:

• نجیب‌الدین:

هزار شاهد چون آفتاب هر جای

نظاره بر طرف بام و ماه نو منظور

(۱۵۳)

▪ حافظ:

یا رب به که شاید گفت این نکته که در عالم

رخساره به کس نمود آن شاهد هر جای

(۳۷۱)

• نجیب‌الدین:

درازدستی زلفت نه بس که چشمانت

به تیغ غمزه بر آرند هر دو یکسان دست

(۹۹)

▪ حافظ:

سلطان من خدا را زلفت شکست ما را

تا کی کند سیاهی چندین درازدستی

(۳۳۳)

• نجیب‌الدین:

غزاله زان لقب آفتاب شد بر چرخ

که کرد در حرم ق «در تو پرستاری

(۲۱۵)

▪ حافظ:

شود غزاله خورشید صید لاغر من

گر آهوپی چو تو یک دم شکار من باشی

(۳۴۷)

• نجیب‌الدین:

جزع سرمست تو از خون دل من هر زمان

نوک تیر غمزه را چون لعل پیکانی کند

(۱۲۸)

▪ حافظ:

مزن بر دل ز نوک غمزه تیرم
که پیش چشم بیمارت بمیرم
(۲۷۳)

• نجیب‌الدین:

آهوی چشم تو در مستی چو گردد شیرگیر
با دماغ او چه سگ باشد پلنگ بربری
(۲۲۵)

▪ حافظ:

عیب دل کردم که وحشی وضع و هر جایی مباش
گفت چشم شیرگیر و غنچ آن آهو ببین
(۳۱۳)

• نجیب‌الدین:

ز خون مردم چشمم بدار دست و مکن
که نیست لایق خوی تو مردم آزاری
(۲۱۶)

▪ حافظ:

ز گریه مردم چشمم نشسته در خون است
ببین که در طلبت حال مردمان چون است
(۱۲۲)

• نجیب‌الدین:

قرصه خورشید و مه بر سفره گردون نهد
وانگه از جدی و حمل ترتیب بریانی کند
(۱۲۹)

▪ حافظ:

نه طبق سپهر و آن قرصه ماه و خور که هست
بر لب خوان قسمتت سهلترین نواله باد
(۳۹۰)

۳-۵- تقابلها

تقابل‌های همسان میان کلمات نیز در برخی ابیات دیوان دو شاعر وجود دارد که به عنوان مثال می‌توان به تقابل‌های (روز عمر / شب زلف)، (پرده‌نشین / بازاری) و (بخت جوان / عالم (فلک) پیر) در ابیات زیر اشاره کرد:

• نجیب‌الدین:

روز عمرم به سر آمد شب زلف خوش باد
که در آن شب کسی اندیشه فردا نکند
(۱۲۴)

▪ حافظ:

امید در شب زلفت به روز عمر نبستم
طمع به دور دهانت ز کام دل ببریدم
(۲۶۶)

• نجیب‌الدین:

کجا رسد به جمال تو آفتاب که نیست
به لطف پرده‌نشین، شوخ چشم بازاری
(۲۱۱)

▪ حافظ:

در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود
کاین شاهد بازاری وان پرده‌نشین باشد
(۱۸۲)

• نجیب‌الدین:

هوای بخت جوانت به طبع عالم پیر
مزاج کودکی و رونق شباب دهد
(۱۳۲)

▪ حافظ:

چندان بمان که خرقه ازرق کند قبول
بخت جوانت از فلک پیر ژنده‌پوش
(۲۴۵)

۳-۶- تشابه مضمون ابیات

در دیوان نجیب‌الدین جرباذقانی و حافظ گاه به ابیاتی برمی‌خوریم که مضمون کلی آنها بسیار به هم نزدیک است هرچند می‌توان برخی از این موارد را در شمار مضامین مشترک ادبی به شمار آورد. این قرابت معنایی ابیات گاه با ترکیباتی یکسان یا مشابه نیز همراه است:

• نجیب‌الدین:

سبک عنانی عزمت به وقت‌های شتاب
بدین زمین زمن جنبش و شتاب دهد
(۱۳۲)

▪ حافظ:

عزم سبک عنان تو در جنبش آورد
این پایدار مرکز عالی مدار هم
(۲۹۱)

• نجیب‌الدین:

در هوای رخ خورشیدوشت ذره‌صفت
از تکاپو شده‌ام سرسبک و هر جایی
(۲۷۸)

▪ حافظ:

تا لب چشمه خورشید درخشان بروم
(۲۸۹)

به هواداری او ذره‌صفت رقص کنان

• نجیب‌الدین:

زمانه‌ای که بر ارباب فضل کین دارد
(۱۱۳)

ولی عنان مرادم ز دست می‌بستد

▪ حافظ:

تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس
(۳۳۷)

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد

• نجیب‌الدین:

هزار سال دگر چرخ در نشیب و فراز
(۱۶۶)

نیاورد چو تویی را بدست گر تازد

▪ حافظ:

گردون نیاورد چو تو اختر به صد قران
(۸۲)

ارکان نپرورد چو تو گوهر به هیچ قرن

• نجیب‌الدین:

که حال خویش نمایم به رای عالی باز
(۱۶۶)

بزرگوارا دریادلانیم محتاج

▪ حافظ:

راز کس مخفی نماند با فروغ رای تو
(۳۱۸)

عرض حاجت در حریم حضرتت محتاج نیست

• نجیب‌الدین:

ز دست هیچ سخنور چنین سخن برخاست
(۹۱)

به خاک پای تو گر تا سخن همی گویند

▪ حافظ:

تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند
(۱۹۳)

کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب

۳-۷- همانندی وزن، قافیه و ردیف

نمونه‌های بسیاری از همانندی‌های وزن و قافیه و ردیف میان اشعار نجیب‌الدین جرباذقانی و حافظ یافت می‌شود که نشانگر استقبال احتمالی حافظ از اشعار نجیب‌الدین است. در ذیل به اهم آنها اشاره خواهیم کرد:

• نجیب‌الدین:

تا سر زلف تو را دست صبا خم داده است
غم من چون خط تو دست فراهم داده است
(۲۵۶)

▪ حافظ:

تا سر زلف تو در دست نسیم افتاده است
دل سودا زده از غصه دو نیم افتاده است
(۱۱۴)

• نجیب‌الدین:

نسیم حسن تو گر سوی بوستان نرسد
به سالها گل سوری به گلستان نرسد
(۱۱۷)

▪ حافظ:

به حسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد
تو را در این سخن انکار کار ما نرسد
(۱۷۹)

• نجیب‌الدین:

ز عاشقان چو بدیدم فراغتی داری
نه جان فدای غمت کرده‌اند پنداری
(۲۱۱)

▪ حافظ:

صبا تو نکهت آن زلف مشک بو داری
به یادگار بمانی که بوی او داری
(۳۴۰)

• نجیب‌الدین:

هنوز هندوی زلفت نمی‌شود ساکن
هنوز غمزه مستت نمی‌کند تقصیر
(۱۶۲)

▪ حافظ:

به عزم توبه نهادم قدح ز کف صدار
ولی کرشمه ساقی نمی‌کند تقصیر
(۲۳۰)

• نجیب‌الدین:

ز نیش ناخن مطرب چنان شود رگ چنگ
که خون شود دل ساغر ز ناله بم و زیر
(۱۶۴)

▪ حافظ:

معاشری خوش و رودی بساز می‌خواهم
که درد خویش بگویم به ناله بم و زیر
(۲۲۹)

۴- نتیجه‌گیری

یکی از ویژگیهای سبک حافظ که دستمایه تحقیقات فراوانی شده است این است که او بسیاری از الفاظ، ترکیبها و مضامین اشعار خود را از پیشینیان اخذ کرده و گاه با دخل و تصرفی اندک، همان مضمون را در زیباترین شکل بیان کرده است. یکی از کتابهایی که تشابهات فراوان لفظی و معنوی با دیوان حافظ دارد دیوان نجیب‌الدین جرباذقانی است، هر چند میتوان گاه این مشابهنها را از مقوله مضامین مشترک شعر فارسی به شمار آورد اما حجم این تشابهات بیش از آنست که تنها با لغت تبادل از کنارش گذشت! و بیانگر استفاده حافظ از دیوان نجیب‌الدین میباشد. همسانی شعر حافظ و نجیب‌الدین گونه‌های فراوانی دارد و شامل تشابه مضمون ابیات، تشابه یک مصراع، تشابه بخشی از یک مصراع، تشابه ترکیبات و همسانی وزن و قافیه است که در این مقاله به بخشی از این اشتراکات اشاره شده است.

منابع و مأخذ

- ۱- دیوان اشعار، جرباذقانی (گلپایگانی)، نجیب‌الدین (۱۳۷۱) به کوشش احمد کرمی، : ما (۱۳۸۹) تصحیح محمود مدبری، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۲- دیوان اشعار، حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۷) به تصحیح علامه قزوینی و قاسم غنی، به کوشش عبدالکریم جریزه‌دار، چاپ ششم، تهران: اساطیر.

- ۳- حافظ‌نامه، خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۳) ۲ جلد، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴- لغت‌نامه، دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱) زیر نظر دکتر محمد معین، تهران: انتشارات سازمان لغت‌نامه دهخدا.
- ۵- گلگشت، ریاحی، محمد امین (۱۳۶۸) تهران: انتشارات علمی.
- ۶- تاریخ ادبیات ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۳) ج ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- نجیب‌الدین جریاذقانی قصیده‌سرای قرن هفتم، مدبری، محمود (۱۳۸۰) فرهنگ اصفهان، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۰، صص ۸۰-۸۷
- ۸- تذکره شعرای گلپایگان، مذهبی، محمدتقی (۱۳۸۰) قم: سلمان فارسی.
- ۹- تاریخ نظم و نثر در ایران، نفیسی، سعید (۱۳۶۳) (۲ جلد)، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی فروغی.
- ۱۰- حافظ‌شناسی، نیاز کرمانی، سعید (۱۳۶۸) جلد پنجم، چاپ سوم، تهران: پاژنگ.
- ۱۱- تذکره ریاض‌الشعرا، واله داغستانی، علیقلی بن محمدعلی (۱۳۸۴) مقدمه تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر.
- ۱۲- نسخه‌هایی تازه یافته از شاعری گمنام (نجیب جرفادقانی)، یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۰) آینه میراث، دوره جدید، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰، (پیاپی ۴۸)، صص ۲۱۹-۲۳۲.